

## ادوارد ماردراک؛ مردی که دو چهره داشت!



خودکشی کرد. وی در یادداشت خودکشی، از او خواست که قبل از دفن، «دیو» را از بدن او جدا کنند. درست است، همانطور که نویسنده خاطرنشان می‌کند، آیا پزشکان از این درخواست پیروی کرده‌اند، ناشناخته مانده است.

اگر در مورد منبع خود صحبت کنیم، به نظر می‌رسد این کتاب، اگرچه توسط پزشکان نوشته شده است، اما ضمانت کافی ندارد. واقعیت این است که حدود یک سال قبل از انتشار آن در روزنامه بوستون پست، مقاله‌ای از نویسنده داستان‌های علمی چارلز لویتن هیلدرت با عنوان «معجزات علم مدرن: هیولای نیمه انسانی به‌عنوان فرزندان شیطان» منتشر شد. این برای اولین بار بود که داستان ادوارد ماردراک در آن شرح داده شد، و به نظر می‌رسد که نویسنده آن ارجمند به‌سادگی آن را از آنجا نوشتند و آن را برای انتشار علمی منتشر کردند.

امروز، این داستان به همراه عکس ادوارد دو چهره، در اینترنت ویروسی می‌شود. در حقیقت، یک عکس واقعی از Mordrake وجود ندارد و در تصویر تکرار شده، یک موم وجود دارد که توسط هنرمندان بر اساس یک نقشه معروف ساخته شده است. اینکه آیا چنین شخصی واقعاً وجود داشته است، مشخص نیست. باوجود باورپذیر بودن داستان.

از یک طرف، در واقع موارد مشابهی از همجوشی دوقلو وجود دارد، به آن‌ها کرانیوپاژی انگلی (از مغز به هم چسبیده) شده است. به‌عنوان مثال، کودکی به نام «پسر دو سر از بنگال» در سال ۱۷۸۳ درگذشت. ججمه وی در کالج جراحی رویال نگهداری می‌شود.

امروز در دنیا یک پسر با ناهنجاری مشابه وجود دارد که تا سن ۱۵ سالگی زنده مانده است. درست است که او فقط به لطف فداکاری والدین و پزشکی مدرن موفق شد. سه جاسون از برنی، میسوری، مانند ماردراک، «مردی دو نفره» نامیده می‌شود؛ بنابراین، در اصل، رد کردن این چنین مواردی از دیدگاه پزشکی غیرممکن است.

باین‌حال، در مورد جزئیات شخصیت ثروتمند Mordrake و استعداد موسیقی او شک و تردید وجود دارد. اگر چنین پدیده‌ای می‌توانست در قرن نوزدهم زنده بماند و رشد کند، درعین‌حال او در واقع هیچ شانس برای داشتن یک فرد تمام‌عیار نداشت. این امکان وجود دارد که نویسنده با در نظر گرفتن یک مورد واقعی از تولد یک انگل دوقلو، واقعیت آراسته و خلاقانه‌ای را ایجاد کرده، درحالی‌که تصویری تاریک، اما دلسوزانه از مردی را که وادار به حمل شخصیت شیطانی برادرش بوده که با او ادغام شده است.

گفته می‌شود در سال ۱۸۸۷ کودک با زشتی غیرمعمول به دنیا آمد که دو چهره داشت. بیش از صدسال است که افسانه شخصیت غیرمعمول مردی با دو چهره، ادوارد ماردراک که در اواخر قرن نوزدهم در انگلستان زندگی می‌کرده است، در سراسر جهان شنیده می‌شود. باشگاه خبرنگاران جوان: گفته می‌شود در سال ۱۸۸۷ کودک با زشتی غیرمعمول به دنیا آمد که دو چهره داشت. بیش از صدسال است که افسانه شخصیت غیرمعمول مردی با دو چهره، ادوارد ماردراک که در اواخر قرن نوزدهم در انگلستان زندگی می‌کرده است، در سراسر جهان شنیده می‌شود. چنین مواردی برای پزشکان مدرن شناخته شده است، افراد مشابهی در بین کسانی که اکنون زندگی می‌کنند وجود دارند، باین‌وجود، وجود ادوارد ماردراک زیر سؤال می‌رود، زیرا شرایط زندگی وی بسیار باورنکردنی به نظر می‌رسد. باوجوداین، تصویر شخصی با دو چهره که از زشتی رنج می‌برد و مجبور به همزیستی با دو «من» خود است، برای نویسندگان، هنرمندان، موسیقیدانان جذاب است و به همین دلیل در هنر مورد استفاده زیادی قرار گرفته و می‌گیرد.

اطلاعات اولیه در مورد زندگی این فرد از کتاب «ناهنجاری‌ها و کنجکاو‌های پزشکی»، که در سال ۱۸۹۶ منتشر شد، به‌دست آمده است. نویسندگان آن، دو پزشک آمریکایی، جورج م. گول و والتر ل. پیل، انواع موارد پزشکی عجیب‌وغریب را در این اثر جمع‌آوری کردند، از جمله داستان ادوارد ماردراک. گفته می‌شود این مرد در سال ۱۸۸۷ در یکی از مهم‌ترین خانواده‌های انگلیس به دنیا آمد. کودک با زشتی غیرمعمول به دنیا آمد. از پشت، روی سر، چهره دیگری داشت که علاوه بر این، «زنده» بود! می‌توانست چشمانش را باز کند، بخندد و گریه کند، اما هرگز نتوانست که می‌تواند غذا بخورد یا نه؟ مرد جوان علی‌رغم ناهنجاری، خوش‌تیپ شد و بااستعداد بزرگ شد؛ همه دوستانش از ادوارد ماردراک

گفته می‌شود در سال ۱۸۸۷ کودک با زشتی غیرمعمول به دنیا آمد که دو چهره داشت. بیش از صدسال است که افسانه شخصیت غیرمعمول مردی با دو چهره، ادوارد ماردراک که در اواخر قرن نوزدهم در انگلستان زندگی می‌کرده است، در سراسر جهان شنیده می‌شود. چنین مواردی برای پزشکان مدرن شناخته شده است، افراد مشابهی در بین کسانی که اکنون زندگی می‌کنند وجود دارند، باین‌وجود، وجود ادوارد ماردراک زیر سؤال می‌رود، زیرا شرایط زندگی وی بسیار باورنکردنی به نظر می‌رسد. باوجوداین، تصویر شخصی با دو چهره که از زشتی رنج می‌برد و مجبور به همزیستی با دو «من» خود است، برای نویسندگان، هنرمندان، موسیقیدانان جذاب است و به همین دلیل در هنر مورد استفاده زیادی قرار گرفته و می‌گیرد.

اطلاعات اولیه در مورد زندگی این فرد از کتاب «ناهنجاری‌ها و کنجکاو‌های پزشکی»، که در سال ۱۸۹۶ منتشر شد، به‌دست آمده است. نویسندگان آن، دو پزشک آمریکایی، جورج م. گول و والتر ل. پیل، انواع موارد پزشکی عجیب‌وغریب را در این اثر جمع‌آوری کردند، از جمله داستان ادوارد ماردراک. گفته می‌شود این مرد در سال ۱۸۸۷ در یکی از مهم‌ترین خانواده‌های انگلیس به دنیا آمد. کودک با زشتی غیرمعمول به دنیا آمد. از پشت، روی سر، چهره دیگری داشت که علاوه بر این، «زنده» بود! می‌توانست چشمانش را باز کند، بخندد و گریه کند، اما هرگز نتوانست که می‌تواند غذا بخورد یا نه؟ مرد جوان علی‌رغم ناهنجاری، خوش‌تیپ شد و بااستعداد بزرگ شد؛ همه دوستانش از ادوارد ماردراک

گفته می‌شود در سال ۱۸۸۷ کودک با زشتی غیرمعمول به دنیا آمد که دو چهره داشت. بیش از صدسال است که افسانه شخصیت غیرمعمول مردی با دو چهره، ادوارد ماردراک که در اواخر قرن نوزدهم در انگلستان زندگی می‌کرده است، در سراسر جهان شنیده می‌شود. چنین مواردی برای پزشکان مدرن شناخته شده است، افراد مشابهی در بین کسانی که اکنون زندگی می‌کنند وجود دارند، باین‌وجود، وجود ادوارد ماردراک زیر سؤال می‌رود، زیرا شرایط زندگی وی بسیار باورنکردنی به نظر می‌رسد. باوجوداین، تصویر شخصی با دو چهره که از زشتی رنج می‌برد و مجبور به همزیستی با دو «من» خود است، برای نویسندگان، هنرمندان، موسیقیدانان جذاب است و به همین دلیل در هنر مورد استفاده زیادی قرار گرفته و می‌گیرد.

اطلاعات اولیه در مورد زندگی این فرد از کتاب «ناهنجاری‌ها و کنجکاو‌های پزشکی»، که در سال ۱۸۹۶ منتشر شد، به‌دست آمده است. نویسندگان آن، دو پزشک آمریکایی، جورج م. گول و والتر ل. پیل، انواع موارد پزشکی عجیب‌وغریب را در این اثر جمع‌آوری کردند، از جمله داستان ادوارد ماردراک. گفته می‌شود این مرد در سال ۱۸۸۷ در یکی از مهم‌ترین خانواده‌های انگلیس به دنیا آمد. کودک با زشتی غیرمعمول به دنیا آمد. از پشت، روی سر، چهره دیگری داشت که علاوه بر این، «زنده» بود! می‌توانست چشمانش را باز کند، بخندد و گریه کند، اما هرگز نتوانست که می‌تواند غذا بخورد یا نه؟ مرد جوان علی‌رغم ناهنجاری، خوش‌تیپ شد و بااستعداد بزرگ شد؛ همه دوستانش از ادوارد ماردراک

گفته می‌شود در سال ۱۸۸۷ کودک با زشتی غیرمعمول به دنیا آمد که دو چهره داشت. بیش از صدسال است که افسانه شخصیت غیرمعمول مردی با دو چهره، ادوارد ماردراک که در اواخر قرن نوزدهم در انگلستان زندگی می‌کرده است، در سراسر جهان شنیده می‌شود. چنین مواردی برای پزشکان مدرن شناخته شده است، افراد مشابهی در بین کسانی که اکنون زندگی می‌کنند وجود دارند، باین‌وجود، وجود ادوارد ماردراک زیر سؤال می‌رود، زیرا شرایط زندگی وی بسیار باورنکردنی به نظر می‌رسد. باوجوداین، تصویر شخصی با دو چهره که از زشتی رنج می‌برد و مجبور به همزیستی با دو «من» خود است، برای نویسندگان، هنرمندان، موسیقیدانان جذاب است و به همین دلیل در هنر مورد استفاده زیادی قرار گرفته و می‌گیرد.

## خوانندگی

این موجود شبیه به گرم، قدیمی‌ترین جد ما محسوب می‌شود!

زیست‌شناسان، جانورشناسان و دیگر متخصصان تکاملی به بررسی پیوندهای اجدادی ما با دیگر موجودات اولیه موجود در جهان طبیعی ادامه می‌دهند. این امر منجر به کشف شگفت‌انگیز و هیجان‌انگیزی در استرالیا شد. یک فسیل یافت شده در نیل پنا، واقع در جنوب استرالیا، یک موجود کوچک، ۵۵۵ میلیون ساله و ویژگی‌های متمایز مشترکی با انسان هوشمند دارد و در نزدیکی یک ایکاویا بیلاتران توانایی‌های حسی اساسی داشت، چیزی که دانشمندان باور داشتند، اما تا این کشف، قادر به اثبات قطعی آن نبودند. باین‌حال، آخرین تکنولوژی کامپیوتری که آن‌ها به کار گرفتند، این تیم را قادر ساخت تا این نظریه را بپذیرد و یافته‌ها را محکم کند.

آوانس به همان اندازه از کشف این فسیل هیجان‌زده بود، و به دلیلی میل توضیح داد که «وقتی اسکن‌های سه‌بعدی را انجام دادیم، می‌دانستیم که یک کشف مهم کرده‌ایم.»

این نام که به این جانور داده شده است، ادای احترام به مردم بئیان‌گذار استرالیا است. کلمه «ایکاریا» به معنی «مکان ملاقات» به زبان اولین مردم بومی استرالیا است. کلمه «دو تایی» به‌عنوان حیواناتی تعریف می‌شود که تقارن دوطرفه، کناره‌های متقارن (همانند انسان‌ها) یک سر، مقعد و روده دارند. ممکن است ایکاریا بیلاتران کوچک باشد اما متناسب با لایحه در همه موارد است.

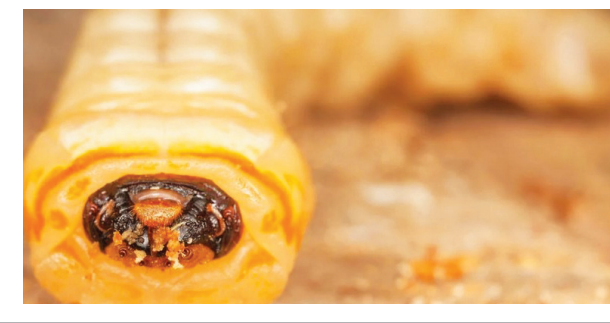
دروسر و ایوانز از یافته‌های جدید هیجان‌زده شده‌اند و قصد دارند تحقیقات دربارۀ نزدیک‌ترین خویشاوند ما را برای بینش‌های جدید ادامه دهند. برخی با اشاره به «وارجوتیا کریک» در جنوب استرالیا، از مردم و مکانی که این کشف حیاتی در آن صورت گرفته است، قدر دانی می‌کنند.

زیست‌شناسان، جانورشناسان و دیگر متخصصان تکاملی به بررسی پیوندهای اجدادی ما با دیگر موجودات اولیه موجود در جهان طبیعی ادامه می‌دهند. این امر منجر به کشف شگفت‌انگیزی و هیجان‌انگیزی در استرالیا شد. یک فسیل یافت شده در نیل پنا، واقع در جنوب استرالیا، یک موجود کوچک، ۵۵۵ میلیون ساله و ویژگی‌های متمایز مشترکی با انسان هوشمند دارد و در نزدیکی یک ایکاویا بیلاتران توانایی‌های حسی اساسی داشت، چیزی که دانشمندان باور داشتند، اما تا این کشف، قادر به اثبات قطعی آن نبودند. باین‌حال، آخرین تکنولوژی کامپیوتری که آن‌ها به کار گرفتند، این تیم را قادر ساخت تا این نظریه را بپذیرد و یافته‌ها را محکم کند.

آوانس به همان اندازه از کشف این فسیل هیجان‌زده بود، و به دلیلی میل توضیح داد که «وقتی اسکن‌های سه‌بعدی را انجام دادیم، می‌دانستیم که یک کشف مهم کرده‌ایم.»

این نام که به این جانور داده شده است، ادای احترام به مردم بئیان‌گذار استرالیا است. کلمه «ایکاریا» به معنی «مکان ملاقات» به زبان اولین مردم بومی استرالیا است. کلمه «دو تایی» به‌عنوان حیواناتی تعریف می‌شود که تقارن دوطرفه، کناره‌های متقارن (همانند انسان‌ها) یک سر، مقعد و روده دارند. ممکن است ایکاریا بیلاتران کوچک باشد اما متناسب با لایحه در همه موارد است.

دروسر و ایوانز از یافته‌های جدید هیجان‌زده شده‌اند و قصد دارند تحقیقات دربارۀ نزدیک‌ترین خویشاوند ما را برای بینش‌های جدید ادامه دهند. برخی با اشاره به «وارجوتیا کریک» در جنوب استرالیا، از مردم و مکانی که این کشف حیاتی در آن صورت گرفته است، قدر دانی می‌کنند.



## طبیعت کوه‌های رنگی آلاداغ در لار



## ماسک‌های امن و خلاقانه برای ناشنوایان



شیوع ویروس کرونا خلاقیت مردم را افزایش داد. در این روزها شاهد رونمایی از انواع ماسک‌های صورت عجیب‌وغریب بودیم؛ ماسک‌های ترسناک، ماسک‌هایی که کپی دهن و دماغ خود فرد هستند و ماسک‌هایی که یک شخصیت کارتونی یا فیلم‌ها را تداعی می‌کنند. وب‌سایت یک پزشک -میثاق محمدی زاده: شیوع ویروس کرونا خلاقیت مردم را افزایش داد. در این روزها شاهد رونمایی از انواع ماسک‌های صورت عجیب‌وغریب بودیم؛ ماسک‌های ترسناک، ماسک‌هایی که کپی دهن و دماغ خود فرد هستند و ماسک‌هایی که یک شخصیت کارتونی یا فیلم‌ها را تداعی می‌کنند.

ولی «شلی لارنس»؛ یک دانشجوی ارشد دانشگاه کنتاکی شرقی که در زمینه آموزش ناشنوایان و کم‌شنوایان تحصیل می‌کند؛ یک ماسک خلاقانه طراحی کرده است که از پوسته شفافی برای دیدن لب‌ها و نشانه‌های صورت استفاده می‌کند. این ماسک به افراد ناشنوا و کم‌شنوا در مراکز درمانی، بیمارستان‌ها و بخش‌های مبارزه با کرونا کمک می‌کند تا هنوز بتوانند با دیگران ارتباط برقرار کنند و علائم صورت که منتقل‌کننده کلمات هستند را دریافت کنند. «شلی لارنس» درباره ایده ساخت این ماسک‌ها می‌گوید: «من دیدم در فیس‌بوک مردم ماسک‌های خلاقانه‌ای می‌سازند و به دیگران هدیه می‌دهند که زیاد هم کاربردی ندارند.

